

بازشناسی طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام در مقاتل و منابع

دکتر فاطمه سادات علوی علی آبادی^۱

چکیده

واژه «علی اصغر» در منظر شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام، نماد طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام است که در روز عاشورا در اوج تشنگی، به تیر ستم سربازی از لشکر عمر سعد به شهادت رسید. ارباب مقاتل و منابع، جزئیات تبارشناسی و مقتل حضرت علی اصغر، را با اختلافاتی ذکر کرده‌اند. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعات کتابخانه‌ای درصدد بازشناسی طفل شیرخوار شهید امام حسین علیه السلام در مقاتل و منابع متقدم شیعه و سنی است. بنیاد فرضیه پژوهش آن است که یکی از اطفال شهید امام حسین علیه السلام در عاشورا، علی نام داشته است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که عبدالله رضیع، ملقب به علی اصغر، تنها طفل شیرخوار شهید امام حسین علیه السلام در عاشورا است. حاصل سخن آن‌که تفاوت در قرائات و دخل و تصرف راویان در مقاتل و منابع و بی‌توجهی به دیگر الزامات پژوهش‌های مستند در کشف حقایق عاشورا همچون بهره‌مندی از روایات و زیارات در منابع حدیثی، اشعار شاعران و مرثیه‌های آنان، سخنان و اعترافات دشمنان اهل بیت علیهم السلام، شیوع و اشتها، شهود عارفانه و مکاشفات، نقل‌های سینه به سینه و... را می‌توان از مهم‌ترین عوامل اختلاف در اخبار حضرت علی اصغر برشمرد.

کلیدواژه‌ها: امام حسین علیه السلام، طفل شیرخوار، علی اصغر علیه السلام، مقاتل، عاشورا.

۱. استادیار جامعه المصطفی (fsalavi2014@gmail.com)

مقدمه

از قرون نخست، منابع متعدد و قابل اتکایی به دست ما رسیده که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته‌اند. این منابع را می‌توان به دودسته مستقل و مشتمل تقسیم کرد؛ منابعی که ویژه گزارش دهی نهضت عاشورا و حماسه‌سازان این واقعه بی‌نظیرند و منابعی که تنها بخش و فصل‌هایی از آنها، درباره قیام امام حسین علیه السلام است. این منابع از اعتباری یکسان برخوردار نیستند، اما همه آنها قابلیت ارجاع و استناد را دارند و به وسیله پژوهش‌های تاریخی روشمند، قابل بررسی و پذیرش‌اند (محمدری شهری، ۱۴۳۰: ۱/۵۲-۹۱). از قرن هشتم به بعد، به سبب استیلای ویران‌گر و فرهنگ‌سوز مغولان بر قلمرو حکومت اسلامی و نابودی بخش بزرگی از میراث علمی مسلمانان و به ویژه شیعه که از جمله، برخی از منابع معتبر تاریخ عاشورا بود و اعتماد و بهره‌گیری بسیاری از مورخان این مقطع از منابع ضعیف و غیر قابل اعتماد، آثار مقطع یاد شده، از اعتبار چندانی برخوردار نیستند و تنها اخبار و گزارش‌های نقل شده از منابع کهن و معتبر در آثار یاد شده، قابل اعتنا و اعتماد است (رنجبر، ۱۳۸۶: ۸۷).

در عین حال، برخی از متون معتبر متقدم، نقش برجسته‌تری در معرفی طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام داشته‌اند که در ادامه پژوهش، به ترتیب اطلاعات تاریخی موجود درباره مؤلفان آنها، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. تَسْمِيَةُ مَنْ قُتِلَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْ وُلْدِهِ وَإِخْوَتِهِ وَأَهْلِهِ وَشِيعَتِهِ

نخستین مقتل موجود مستقل درباره عاشورا، کتابی به نام تَسْمِيَةُ مَنْ قُتِلَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام مِنْ وُلْدِهِ وَإِخْوَتِهِ وَأَهْلِهِ وَشِيعَتِهِ اثر قلمی «فضیل بن عمر رسانی زیدی» یکی از رجال معروف نیمه اول سده دوم هجری است که از منزلت و اعتبار و وثاقت دینی نیز برخوردار است. مرحوم رسانی در گردآوری اسامی عموم شهیدان جانباز کربلا کوشیده است و در این تلاش، به هر منبع و مأخذ کتبی و شفاهی که دسترسی داشته سرزده و کتاب مزبور را تحریر و از خود به یادگار گذاشته است. این کتاب در حجم کوچک خود، اسامی انصار و یاران باوفا و جانباز اباعبدالله الحسین علیه السلام در بردارد که در هیچ جای دیگر

به این صورت و کیفیت، گردآوری نشده است. نویسنده کتاب، طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام را این گونه می شناساند:

عبدالله بن الحسین علیه السلام: مادرش رباب دختر امرؤ القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن حکیم کلبی است. او را حرمله کاهلی اسدی والبی با تیرکشت. او به هنگام جنگ کردن، متولد گردیده بود؛ پس از ولادت، او را به محضر امام حسین علیه السلام آوردند. امام علیه السلام در حالی که نشسته بود، آن نوزاد را به آغوش کشید و با آب دهان خود، دهان او را باز فرمود و او را عبدالله نامید. در همین هنگام بود که حرمله کاهلی تیری افکند. این تیر گلوگاه او را درید. حسین علیه السلام با دست خود جلوی خون را گرفت و جمع نمود و به سوی آسمان پاشید. از آن خون، قطره ای هم به زمین بازنگشت. فضیل گوید: ابوالورد از قول امام باقر علیه السلام به من روایت کرد: اگر قطره ای از آن به زمین می رسید، عذاب الهی نازل می گشت. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۰)

۲. مقتل الحسین ابومخنف

ابومخنف، لوط بن یحیی از شاگردان شاخص امام صادق علیه السلام است که کتاب *مقتل الحسین* او بعدها به *مقتل ابی مخنف* معروف شد. این مقتل تا قرن چهارم هجری موجود بوده و طبری در تاریخ مشهور خود، هر جا به مسئله کربلا اشاره می کند، همه را به *مقتل ابی مخنف* ارجاع می دهد. مجموعه روایات ابومخنف که در تاریخ طبری دیده می شود، ۱۲۶ روایت است که حدود ۱۱۰ روایت به خود ابی مخنف می رسد و مربوط به قضایای کربلاست (سنگری، ۱۳۸۷: ۲۳).

در حال حاضر، کتاب هایی با عنوان *مقتل ابی مخنف* وجود دارند. دکتر سنگری پس از بازخوانی کتاب های موسوم به *مقتل ابی مخنف*، آنها را غیر قابل اعتماد دانسته و می نویسد:

کتاب *مقتل ابی مخنف* در میان منابعی که در مورد تاریخ کربلا نوشته شده اند مطرح است؛ ولی باید مواظب ضعف و نقص های آن بود. کتاب کاملی نبوده، ولی بخش هایی از کتاب که از تاریخ طبری گرفته شده است قابل اعتماد است؛

گرچه در کتاب طبری هم می‌توان نمونه‌هایی از ضعف را مشاهده نمود.
(سنگری، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۸)

نویسنده تاریخ طبری، به نقل از ابومخنف می‌نویسد:

سلیمان بن ابی‌راشد، از حمید بن مسلم برایم نقل کرد که «وقتی حسین علیه السلام نشست یکی از کودکانش را برایش آوردند. حسین علیه السلام او را در دامانش نشانید. این کودک را عبدالله بن حسین پنداشته‌اند.» عقبه بن بشیر اسدی گفته است: روزی امام باقر علیه السلام به من فرمود: «ای قبیله بنی‌اسد! ما در گردن شما خونی داریم». عرض کردم: «ای اباجعفر! خداوند رحم نماید! آن خون کدام است؟» فرمود: «روز عاشورا کودکی را در حجر جدم حسین علیه السلام قرار دادند، یکی از شما تیری انداخت و او را ذبح کرد. امام علیه السلام خون را در دو کف خود گرفت و آن را به زمین پاشید. سپس فرمود: ای پرورش‌دهنده من! اگر منع نموده‌ای یاری مرا از آسمان، پس قرار بده این مصیبت را برای ثوابی که بهتر است و انتقام بکش برای ما از این ستمکاران.»
(ابومخنف و طبری، ۱۳۶۴: ۱۷۱-۱۷۳)

۳. الطبقات الکبیر

محمد بن سعد بن منیع زهری (م ۲۳۰ق)، مشهور به «ابن سعد» و نیز «کاتب واقدی» در کتاب الطبقات الکبیر، شرح حال امام حسین علیه السلام را در دو بخش و به تفصیل آورده است. او در بخش نخست، نسب و تولد و ویژگی‌ها و فضایل و مناقب را گزارش کرده و در بخش دوم به مقتل نویسی و گزارش قیام امام حسین علیه السلام پرداخته است. وی می‌نویسد:

در این هنگام حسین علیه السلام در حالی که جبه خز خاکستری پوشیده بود در مقابل خیمه خود نشسته بود و تیرها بر چپ و راست او فرو می‌بارید و پسرک سه ساله‌ای از او کنارش بود. عقبه بن بشیر اسدی تیری بر او زد و کودک را کشت. (کاتب واقدی، ۱۴۱۰: الخامسة ۱/۴۷۰)

۴. تاریخ یعقوبی

احمد بن ابی‌یعقوب، معروف به یعقوبی (۲۸۴ق) در تاریخ خود معروف به تاریخ



یعقوبی، جریان قیام امام حسین علیه السلام را به صورت بسیار مختصر و توصیفی گزارش کرده است. گزارش وی با این که بسیار کوتاه است، با روایت ابومخنف هم خوانی زیادی دارد؛ از این رو محتمل است که وی بر اساس مقتل ابومخنف، گزارش توصیفی خود را سامان داده باشد (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۲). یعقوبی درباره طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام چنین می نویسد:

سپس مردان یکی یکی خود را تقدیم نمودند و شهید شدند تا این که حضرت علیه السلام تنها ماند؛ هیچ کس از اهل و فرزندان و نزدیکان، با ایشان نبودند. امام علیه السلام بر اسب خود سوار و پس از کمی استراحت که تازه از میدان بازگشته بود، دوباره عازم میدان شد. کودکی که در همان ساعت متولد شده بود، نزد آن حضرت علیه السلام آوردند. امام در گوش فرزند خود، اذان و اقامه گفت و کام او را برداشت؛ در همان هنگام تیری به حلق آن طفل اصابت کرد و او را به شهادت رسانید. امام علیه السلام آن تیر را از حلق طفل بیرون کشید و کودک را به خون آغشته ساخت و گفت: به خدا سوگند تو گرامی تر از ناقه صالح در پیشگاه خدای تعالی هستی و جد تو رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد خدا گرامی تر از صالح، پیامبر خداست. سپس پیکر او را آورد و در کنار اجساد پسران و برادرزادگانش نهاد. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱۸۱/۲ - ۱۸۲)

۵. الفتح

ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (م حدود ۳۱۴ ق)، از مورخان مشهور قرن سوم است که در کتاب الفتح خود، اخبار مسلمانان را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا دوران خلافت عباسی در نیمه قرن سوم هجری آورده و در این میان، بخشی قابل توجه (در حدود یک نهم کتاب) را به گزارش نهضت حسینی، اختصاص داده است. او در معرفی طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام چنین می نویسد:

برای او فرزند دیگری بود که به او علی می گفتند و شیرخوار بود. پس حسین علیه السلام جلوی باب خیمه آمد و گفت: آن طفل را بدهید تا با او وداع کنم. سپس آن کودک را به دست او دادند. پس خواست تا او را ببوسد، در حالی که می گفت: ای فرزندم! وای بر این گروه، در آن وقتی که جدم پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله دشمن آنها باشد.

پس ناگاه تیری آمد و درگروی آن طفل خورد و او را کشت. پس حسین علیه السلام از اسب خود پایین آمد و با غلاف شمشیر خود، برای او قبری حفر کرد و آن طفل را به خورش آغشته نمود و برای او نماز خواند و دفنش نمود. (ابن اعثم کوفی، ۱۱۵/۵)

۶. مقاتل الطالبیین

ابوالفرج علی بن حسین اُموی اصفهانی (م ۳۵۶ ق)، از مورخان پرکار قرن چهارم است که کتاب *مقاتل الطالبیین* را در سال ۳۱۳ ق نوشته و در آن بیش از دو بیست کشته خاندان ابوطالب را در سه قرن نخست هجری، نام برده و احوالشان را شرح داده است. ابوالفرج به کشتگان طالبی نهضت عاشورا - که بیش از بیست تن هستند - نیز پرداخته و سپس با تفصیل به شرح حال سرور شهیدان، امام حسین علیه السلام و گوشه‌هایی از قیام ایشان و نیز اسارت خاندان ایشان روی آورده است (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۶۴/۱). او در معرفی طفل شهید کربلا می نویسد:

نام مادرش «رباب» دختر امرئ القیس بن عدی... و به عقیده ابن عبده، رباب دختر حارثه خواهرزاده اوس بن حارثه بوده است... و عبدالله بن الحسین علیه السلام در روز شهادت، کودکی خردسال بود و همچنان که در دامان پدرنشسته بود تیری اصابت کرد و او را سر برید. از حمید بن مسلم نقل است که امام حسین علیه السلام طفلی را خواند و بر زانوانش نشانید؛ ناگهان عقبه بن بشر با پرتاب تیری او را ذبح کرد. از یکی از شاهدان کربلا نقل است که گفت: همراه حسین علیه السلام کودک خردسالش بود که ناگاه تیری آمده و گلویش را برید؛ در این حال حسین علیه السلام خون را از گلو و گردن کودک گرفته و آن چنان به آسمان پرت می کرد که چیزی از آن باز نمی گشت و عرضه می داشت: خدایا! این طفل نزد تو از بچه ناقه صالح کمتر نیست. (اصفهانی، ۲۰۰۷: ۵۰-۵۱)

۷. مقتل الحسین علیه السلام به روایت شیخ صدوق

ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، مشهور به «شیخ صدوق» و «ابن بابویه» (م ۳۸۱ ق) تا جایی مورد قبول علمای شیعه قرار گرفته که روایات

مرسل او در حکم مسند دانسته شده است. همچنین روایات کتابش من لا یحضره الفقیه یکی از کتب اربعه شیعه - به اجماع علمای شیعه - در شمار روایات صحیح گنجانده شده است. شیخ صدوق نزدیک به ۲۵۰ کتاب نوشته است که در حال حاضر، فقط چهارده کتاب و رساله از او به جا مانده و منتشر شده است. در میان کتاب‌های منتشر نشده شیخ صدوق، کتابی به نام *مقتل الحسین* هست که ایشان در ضمن برخی از آثار منتشر شده اش از این کتاب نام برده و به آن ارجاع داده است (صدوق، ۱۳۷۷: ۱۰۳/۱؛ همو، ۱۳۶۷: ۵۲۲).

مقتل شیخ صدوق، با عنوان *مقتل الحسین* به روایت شیخ صدوق، با تحقیق و ترجمه صحتی سردرودی، اخیراً بازنویسی و نشر یافته است (نک: صدوق، ۱۳۸۱). این کتاب حاوی دویست و اندی حدیث و روایت است که همگی از طریق شیخ صدوق روایت شده و بیشتر آنها از میان آثار منتشر شده شیخ صدوق و اندکی نیز از میان آثار کسانی که از شیخ صدوق، حدیث نقل کرده اند گردآوری شده است (صحتی سردرودی، ۱۳۸۵: ۳۴). این مقتل دارای مزیت‌های مهمی است که نزدیکی کتاب، از لحاظ زمانی به عصر عصمت و زمان حضور امامان معصوم علیهم‌السلام از مهم‌ترین آنهاست. دیگر آن که عمده مطالب این مقتل - که حدود نود درصد آن را تشکیل می‌دهد - از احادیث و اخبار مأثوری است که از پیشوایان دینی و چهارده معصوم علیهم‌السلام به ویژه امام سجاد، امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام نقل شده است (همو: ۳۶۷).

در این مقتل، نام امام چهارم علیه‌السلام، علی بن الحسین الاکبر (صدوق، ۱۳۸۱: ۲۹۳) یا علی بن الحسین است (همو: ۳۷، ۴۱، ۶۹، ۱۱۶، ۱۵۶، ۱۷۲ و...). همچنین در روایت خروج کاروان حسینی از مدینه، نام یکی از فرزندان امام حسین علیه‌السلام، «علی اصغر» ذکر شده است (همو: ۱۲۶).

۸. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد

ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (م ۴۱۳ق) مشهور به شیخ مفید، از درخشان‌ترین چهره‌های شیعه از آغاز تا کنون است و کتاب‌های او از مآخذ اصلی

دانش‌هایی چون کلام و عقاید، فقه، حدیث، تاریخ و سیره است. کتاب مهم و مشهور او *الإشهاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، زندگی‌نامه همه امامان شیعه را دربردارد. حدود یک هفتم از *الإشهاد*، به زندگانی امام حسین علیه السلام و نهضت عاشورا اختصاص یافته است (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۷۰/۱-۷۱).

پس از شهادت حضرت قاسم، حضرت امام حسین علیه السلام برابر خرگاه همایونی خود نشست. فرزند خردسالش به نام عبدالله را آوردند و در دامن او گذاردند. مردی از بنی اسد آن طفل را هدف تیرستم قرارداد و او را به پدران نام‌دارش ملحق ساخت. امام حسین علیه السلام دست مبارکش را زیر گلوی آن طفل می‌گرفت و چون از خون پاک آن نوباوه پرمی‌شد، به طرف آسمان می‌پاشید و می‌فرمود: پروردگارا! اگر در نصرت و یاری آسمانی را به سوی ما بسته‌ای، این قربانی را به جای بهترین تقدیم‌ها از ما بپذیر و داد ما را از این گروه ستمگر بگیر! (مفید، ۱۳۸۰: ۴۶۲)

۹. *إعلام التوری بأعلام الهدی*

امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق)، مفسر، متکلم، ادیب، شاعر و مورخ بزرگ امامیه در قرن ششم هجری است. وی با تکیه بر اندوخته‌های تاریخی خود، کتاب *إعلام التوری بأعلام الهدی* را در شرح حال اهل بیت علیهم السلام نگاشت و به ویژه در زندگی امام حسین علیه السلام با تفصیلی در خورتحسین، به شرح نهضت عاشورا همت گماشت (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۷۵/۱).

پس از قتل قاسم بن الحسن، حسین علیه السلام جلوی خیمه‌ها نشست. پس فرزندش عبدالله را که طفلی بود آوردند و در دامن حضرت نشست. پس حسین علیه السلام خون‌های او را در دستش پری تیری رها کرد و آن طفل را کشت. پس حسین علیه السلام خون‌های او را در دستش پری می‌کرد و بر زمین می‌ریخت. سپس فرمود: «پروردگارا! اگر نصرتی را که در آسمان نزد توست از ما جلوگیری نمودی، پس قراده آن را برای ما، بهتر از آن چه است و انتقام ما را از این گروه ستمکار بگیر!» سپس جسد کودک را در کنار کشتگان از خاندان گذاشت. (طبرسی، ۱۳۷۶، ۴۶۶/۱)

۱۰. تاریخ الموالید الائمه و وفیاتهم

این کتاب اثر شیخ ابی محمد عبدالله بن النصر ابن الخشاب البغدادی (م ۵۶۷ق)، ادیب، زبان شناس، آموزگار، مفسر حدیث و شاعر عربی عراقی در سده ششم هجری است و در چهارده بخش به معرفی زندگی اهل بیت علیهم السلام پرداخته است. او در شرح حال امام حسین علیه السلام می نویسد:

برای حسین علیه السلام، شش پسر و سه دختر بود. از پسران، علی اکبر که با پدرش شهید شد و علی (امام زین العابدین علیه السلام) و علی اصغر و محمد و عبدالله که با پدرش شهید شد و جعفر و زینب و سکینه و فاطمه. (بغدادی، ۱۴۰۶: ۲۱)

۱۱. مقتل الحسین خوارزمی

ابوالمؤید موفق بن احمد بن ابی سعد خوارزمی مکی (م ۵۶۸ق) مشهور به اخطب خوارزم، از عالمان حنفی و معتزلی و جانشین زَمَخْشَری در مناصب شرعی خوارزم بوده است. خوارزمی، سخنوری بلیغ، محدثی شهیر، فقیهی خبیر و در علوم گوناگونی از جمله سیره، تاریخ و ادب، چیره دست بود. او تألیفات فراوانی دارد و به دلیل علاقه اش به اهل بیت علیهم السلام، چندین کتاب در فضایل امیرالمؤمنان علیه السلام و امام حسین علیه السلام نوشت.

خوارزمی در *مقتل الحسین*، ابتدا فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت خدیجه علیها السلام، امام علی علیه السلام و مادرش فاطمه بنت اسد، فاطمه زهرا علیها السلام و نیز امام حسن علیه السلام را آورده و سپس در فصلی جداگانه، به فضایل امام حسین علیه السلام و پس از آن تا پایان کتاب به احوالات امام حسین علیه السلام از تولد تا امامت و نیز نهضت ایشان و وقایع پس از شهادت امام علیه السلام پرداخته است (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۷۶/۱). وی در باب طفل شهید امام چنین می نگارد:

حسین علیه السلام به درخیمه آمد و فرمود: «علی، طفلم را بیاورید تا با او خدا حافظی کنم!» پس کودکش را گرفت و او را می بوسید و می فرمود: «وای بر این قوم، هنگامی که جد تو، محمد صلی الله علیه و آله و سلم دشمن آنها باشد!» پس در همان هنگام حمله بن کاهل اسدی، تیری بر کودک که در آغوش او بود زد؛ پس او را ذبح کرد، در حالی که در آغوش پدر بود. سپس حسین علیه السلام دستانش را از خون او پر کرده و به طرف آسمان



می پاشید و می گفت: «خداوند! اگر یاری ات را از ما بازداشتی، پس آن را به آن چه که برایمان بهتر است قرار بده!» پس حسین علیه السلام از اسب خود پایین آمد و با غلاف شمشیر قبری کند و آن طفل را به خون خود آغشته نمود [و او را دفن نمود] و بر او درود فرستاد. (اخطب خوارزم، ۱۴۲۳: ۳۷/۲)

۱۲. مناقب آل ابی طالب

ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ق)، از عالمان بزرگ شیعه در قرن ششم است. او به فقه، کلام، کتاب شناسی، تفسیر، حدیث و تاریخ آگاه بود و رجال شناسان، او را رجال شناسی ثقه و شاعری بلیغ خوانده اند. به دلیل انکار برخی کثروان نسبت به فضایل امیر مؤمنان، ابن شهر آشوب، مناقب ایشان و همسر و فرزندان ایشان را با تکیه اصلی بر کتب اهل سنت، گرد آورد و در آغاز کتاب خود نیز بخشی از مناقب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را گزارش کرد. وی در این کتاب، زندگی نامه و مناقب امام حسین علیه السلام را نیز با تفصیلی متناسب با حجم کتاب خود آورده و تعدادی از سخنان گهربار امام علیه السلام را هم نقل کرده است (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۷۹/۱-۸۰). ابن شهر آشوب مقتل کودک شیرخوار امام حسین علیه السلام را چنین می نگارد:

حسین علیه السلام (پس از شهادت علی اکبر) تنها ماند و در دامانش علی اصغر بود. پس تیری به سوی کودک رها شد و به گلوی او رسید. پس حسین علیه السلام آن خون را از نحرش می گرفت و به طرف آسمان می پاشید و چیزی از آن باز نمی گشت و می گفت: «پروردگارا! این کودک بر تو از شتر صالح کمتر نیست!» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۱۱۸/۴)

۱۳. مَثِيرُ الْأَحْزَانِ وَمُنِيرُ سَبِيلِ الْأَشْجَانِ

نجم الدین جعفر بن محمد حلی (م ۶۴۵ق) مشهور به ابن نما، در خاندانی بزرگ و در روزگار زرین حوزه حله پرورش یافت. او از علمای قرن هفتم و یکی از اساتید علامه حلی است. کتاب *مَثِيرُ الْأَحْزَانِ وَمُنِيرُ سَبِيلِ الْأَشْجَانِ* شامل مقدمه ای در فضائل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فضیلت ذکر مصائب آن بزرگواران و گریه بر آنها و دارای سه مقصد است.

مقصد اول، گزیده‌ای از زندگی نامه امام حسین علیه السلام و سیر تحولات تاریخی در به وجود آمدن حادثه کربلا از حرکت امام علیه السلام از مدینه تا ورود به کربلا است. مقصد دوم، وقایع روز عاشورا تا شهادت امام علیه السلام و آغاز اسارت اهل بیت آن حضرت علیهم السلام است. مقصد سوم، داستان اسیران تا بازگشت آنان به مدینه را دربردارد. ابن نما فرزند خردسال امام حسین علیه السلام را چنین می‌شناساند:

آن حضرت علیه السلام به سراپرده بانوان و شیرزنان نزدیک شد و فرزند خردسالش «عبدالله» را خواست تا برای آخرین بار او را ببیند و مورد لطف و مهر پدرانه اش قرار دهد و او را وداع کند. کودک محبوب آن حضرت را آوردند و حسین علیه السلام او را در آغوش گرفت تا هم پدر، کودک خردسال خود را نیک بنگرد و هم کودک، توشه‌ای از پدرگرامی‌اش را برگیرد که به ناگاه عنصر تبهکاری از بنی اسد، گلوگاه آن کودک معصوم را در آغوش پدر، هدف تیربیداد قرارداد و گوش تا گوش او را برید و درید. خون سرازیر شد و حسین علیه السلام کف دست‌ها را زیر گلوی آن خردسال شهید گرفت تا از خون، لبریز گردید و آن گاه خون‌ها را به سوی آسمان فشاند و روبه بارگاه خدا گفت: «پروردگارا! اگر در این سرای زودگذر و فناپذیر بر اساس حکمت و مصلحت، یاری و پیروزی ظاهری از سوی آسمان را از ما دریغ داشته‌ای بهتر از آن را در سرای جاودانه، نصیب و روزی ما ساز! و داد ما و رهروان ما را از این بیدادگران خودکامه بستان!» امام باقر علیه السلام فرمود: «از خون گلوی کودک شهیدش که آن را به سوی آسمان پاشید قطره‌ای به سوی زمین باز نیامد و آن حضرت علیه السلام پیکری جان او را به سوی سراپرده شهیدان راه حق و عدالت برد و او را نیز در میان پیکرهای به خون خفته یاران و عزیزان جای داد». (ابن‌نما، ۱۳۸۰: ۲۵۱)

۱۴. المزار الکبیر

ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدی (م ۶۱۰ ق)، از عالمان و محدثان و از مشایخ اجازه در قرن ششم هجری است. شهید اول (م ۷۸۶ ق) به کتاب‌های او طریق داشته و شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۷ ق) او را ستوده و وی را فاضل، محدث و صدوق نامیده است. سید بن طاووس نیز در کتب ادعیه و زیارات خود، از او بهره گرفته و بر او اعتماد کرده است.

مشهدی در کتاب *المزار الکبیر*، زیارت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را به ترتیب، ذکر کرده و در میان آنها، فضایل برخی مساجد و اعمال برخی ماه‌ها را آورده است. در «زیارت ناحیه مقدسه» و «زیارت ناحیه دوم» مذکور در این کتاب، به طفل شهید امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام نیز سلام داده شده است (ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۴۸۸ و ۴۹۸).

۱۵. *مَطَالِبُ السَّوُولِ فِي مَنَاقِبِ آلِ الرَّسُولِ* صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

محمد بن طلحه دمشقی (م ۶۵۲ق)، شافعی مذهب و از دانشوران شایسته اهل سنت است. او کتابی با عنوان *مَطَالِبُ السَّوُولِ فِي مَنَاقِبِ آلِ الرَّسُولِ* صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نوشته و در آن درباره شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام مطالب ارزشمندی بیان داشته و مخالفان و قاتلان ایشان را بخشش ناپذیر و محروم از شفاعت و اصحاب آتش می‌شمارد. ابن طلحه در یادکرد فرزندان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین می‌نویسد:

اورا ده فرزند پسر و دختر بود: شش پسر و چهار دختر. پسرها: علی اکبر، علی اوسط - که همان امام زین العابدین عَلَيْهِ السَّلَام است و در باب مربوط به او، ذکرش می‌آید - علی اصغر، محمد، عبدالله و جعفر هستند. علی اکبر که پیش روی پدرش جنگید تا به شهادت رسید. علی اصغر در حالی که طفلی بیش نبود تیری آمد و او را به قتل رساند... و گفته شده که عبدالله هم با پدرش، حسین عَلَيْهِ السَّلَام شهید شده است. (نصیبی، بی تا: ۲۵۶-۲۵۷)

۱۶. *تَذَكْرَةُ الْخَوَاصِّ مِنَ الْأُمَّةِ فِي نِكْرِ خَصَائصِ الْأُمَّةِ*

ابوالمظفر یوسف بن قزغلی بن عبدالله (م ۶۵۴ق)، سبط (نوه) ابوالفرج ابن جوزی مشهور است. او ابتدا حنبلی بود و سپس حنفی گشت؛ اما به دلیل علاقه اش به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، شرح حال بسیاری از آنان را به نگارش درآورد. سبط ابن جوزی افزون بر گزارش احوال و مناقب شخصی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، به نهضت کربلا پرداخته و از آغاز تا انجام آن و حتی وقایع پس از شهادت سید الشهداء و همچنین برخی مرثیاتی را درباره امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام - هر چند به شیوه داستانی و بدون ذکر سند - نیز نقل کرده است (محمدی

ری شهری، ۱۴۳۰: ۸۴/۱). وی به نقل از هشام بن محمد، مقتل طفل شهید عاشورا را چنین می‌نویسد:

حسین علیه السلام به سوی یکی از اطفالش رفت که از تشنگی می‌گریست؛ او را بر سر دست گرفت و گفت: «ای قوم! اگر بر من رحم نمی‌کنید بر این کودک رحم کنید!» در این حال مردی از آنان، تیری به سوی او انداخت و ذبحش کرد. حسین علیه السلام می‌گریست و می‌گفت: «خدایا! میان ما و گروهی که ما را دعوت کردند تا ما را یاری دهند، اما ما را کشتند، داوری کن!» در این هنگام، ندایی از آسمان رسید: «اورا واگذار، ای حسین! که برای او، شیردهنده‌ای در بهشت است!» (ابن جوزی، ۱۴۲۶: ۱۶۴/۲)

۱۷. **اللُّهُوفُ عَلَى قَتْلِ الطُّفُوفِ**

سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر حلی (م ۶۶۴ ق) مشهور به سید بن طاووس، از عالمان و عارفان مشهور شیعه است که شخصیتی علمی، اجتماعی، ادبی و نیز عارف و متقی داشته و کتاب **اللُّهُوفُ عَلَى قَتْلِ الطُّفُوفِ** یا **المَلْهُوفُ عَلَى قَتْلِ الطُّفُوفِ** را درباره امام حسین علیه السلام و مقتل ایشان، ویژه زائران امام حسین علیه السلام نوشته و داشته‌ها و آگاهی‌های تاریخی خود را نیز در این زمینه به آن افزوده است (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۸۵/۱-۸۶). مقتل طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام در **ملهُوف** به این شرح است:

حسین علیه السلام به درخیمه نزدیک شد و به زینب علیه السلام فرمود: فرزند خردسال مرا به دست من بده تا برای آخرین بار او را ببینم! کودک را به روی دست گرفت و همین که خواست کودک را ببوسد حرملة بن کاهل اسدی تیری پرتاب نمود که به گلوی کودک رسید و گوش تا گوش او را برید. امام علیه السلام به زینب علیه السلام فرمود: «اورا بگیر!» سپس کف دستانش را زیر خون گرفت تا پر شدند. خون را به سوی آسمان پاشید و فرمود: «آن چه مصیبت وارده را بر من آسان می‌کند این است که خداوند می‌بیند.» امام باقر علیه السلام فرموده است: «از آن خون، یک قطره به روی زمین نیفتاد». گونه‌ای دیگر نیز روایت شده که به عقل نزدیک تراست؛ چرا که آن زمان، وقت وداع با طفل نبود؛ چون سخت به جنگ و کشتار مشغول بودند؛ در این هنگام

خواهرش زینب علیها السلام نوزاد را بیرون آورد و فرمود: برادر جان! این فرزند توست، سه روز است که آب نخورده، برایش جرعه‌ای آب درخواست کن! امام او را روی دست گرفت و فرمود: ای مردم! شما شیعیان و اهل بیت را کشتید و فقط این کودک باقی مانده که تشنگی جگرش را می‌سوزاند. او را با جرعه‌ای آب سیراب کنید! در این زمان، فردی تیری به سوی کودک پرتاب کرد و او را شهید کرد. پس امام علیه السلام آنان را نفرین کرد؛ چنان‌که مختار و دیگران بر سرشان آوردند. (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۹)

۱۸. کَشْفُ الْعَمَّةِ فِي مَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ

ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی‌الفتح اربلی (م ۶۹۲ق)، از عالمان و ادیبان عراق در قرن هفتم است که مورد ستایش عالمان شیعه و اهل سنت قرار گرفته و عالمان بزرگی مانند ابوعبدالله علامه حلی و برادرش رضی‌الدین اربلی نزد او شاگردی کرده‌اند (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۸۸/۱). کَشْفُ الْعَمَّةِ فِي مَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ علیه السلام کتابی در شرح حال، فضایل و معجزات چهارده معصوم علیهم السلام است که نویسنده، آن را با انگیزه روشن کردن حقانیت آنان بردشمنان اهل بیت و مقابله با غلوکنندگان ائمه علیهم السلام، نگاشته و در تألیف خود، استفاده از منابع اهل سنت را بر منابع شیعی مقدم داشته است. اربلی برای امام حسین علیه السلام شش فرزند ذکور می‌شمارد:

علی اکبر، علی اوسط که همان زین‌العابدین است و در باب دیگری به آن خواهیم پرداخت؛ علی اصغر، محمد، عبدالله، جعفر. علی اکبر در کنار پدرش جنگید تا به شهادت رسید؛ اما علی اصغر، طفلی بود که تیری به او خورد و او را کشت. کسی گفته که عبدالله نیز با پدرش، حسین علیه السلام شهید شد. (اربلی، ۱۴۲۱: ۵۸۱/۱-۵۸۲)

۱۹. الْأَصِيلِي فِي أَنْسَابِ الطَّالِبِينَ

این کتاب، اثر صفی‌الدین ابوعبدالله محمد بن علی حسنی، معروف به ابن طقطقی یا ابن طقطقا (م ۷۰۹ق) و از آثاری مهم است که در انساب‌طالبيان نگاشته شده است. ابن طقطقی از علما، مورخان و نسب‌شناسان امامیه در روزگار خود، از خاندان نقابت و



خود نقیب حله، کربلا و نجف بوده است. وی اعقاب امام حسین علیه السلام را چنین می نویسد:
 امام حسین علیه السلام، پنج فرزند داشت: علی (زین العابدین)، علی اکبر که در واقعه
 طف به شهادت رسید و علی اصغر که با اصابت تیر در کربلا به شهادت رسید و
 عبدالله که با پدرش در کربلا شهید شد و جعفر که مادرش از قضاعه بود.
 (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ۱۴۳)

بحث و بررسی

به ادعای برخی مقتل نویسان، در منابع تاریخی، نام علی اصغری که طفل شیرخواره
 باشد مذکور نیست؛ بلکه در جمله ای از آنها، تعبیر به طفلی شیرخوار شده و ذکری از اسم
 او به میان نیامده و در جمله ای از آنها، به عبدالله تعبیر شده؛ و لکن در بسیاری از کتب
 متأخرین، به علی اصغر تعبیر گردیده است (کاشانی، ۱۳۸۴ / ۱: ۴۹۹). این در حالی
 است که مورخان مشهوری مانند ابن اعثم کوفی (م. حدود ۳۱۴ ق) در کتاب *الفتوح* و
 خوارزمی در *مقتل الحسین* و ابن طقطقی در *الاصیلی فی انساب الطالبیین* و علامه اربلی در
کشف الغمّة فی معرفة الاثمه، طفل شیرخوار امام حسین علیه السلام را «علی» دانسته اند و نام او را در
 شمار شهدای کربلا، گزارش نموده اند. شیخ صدوق و پس از او، ابن خشاب بغدادی
 (م ۵۶۷ ق) نام یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام را «علی اصغر» دانسته اند (صدوق، ۱۳۸۱:
 ۱۲۶؛ ابن خشاب بغدادی، ۱۴۰۶: ۲۱) و ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) نام طفل شیرخوار
 اباعبدالله را «علی اصغر» نگاشته است (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۱۸).

همچنین سید بن طاووس در کتاب *الاقبال الاعمال* در اعمال روز عاشورا زیارت نامه ای
 را برای سیدالشهدا علیه السلام نقل می نماید که نام علی اصغر نیز در فرازی از آن آمده است:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَيْهِمْ وَعَلَى وَلَدِكَ عَلِيِّ الْأَصْغَرِ الَّذِي فُجِعَتْ بِهِ؛ (ابن طاووس،
 ۱۳۷۶: ۷۱/۳)

درود خدا بر تو و بر ایشان (شهیدان) و بر فرزندان علی اصغر؛ همان کسی که دل ها
 در سوگ او به درد آمد.

از سوی دیگر، بر پایه برخی از گزارش ها، امام حسین علیه السلام شش پسر داشته که دو تن از آنان

عبدالله و علی اصغر، نام داشته‌اند. در «زیارت ناحیه مقدسه» که نام بیش از هشتاد و دو نفر از شهدای کربلا در آن ذکر شده است چنین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ، الطِّفْلِ الرَّضِيعِ، الْمَرْمِيِّ الصَّرِيعِ، الْمُتَشَحِّطِ دَمًا،
 الْمُضَعَّدِ دَمُهُ فِي السَّمَاءِ، الْمَذْبُوحِ بِالسَّهْمِ فِي حِجْرِ أَبِيهِ، لَعَنَ اللَّهُ رَامِيَهُ حَرَمَلَةَ بَنِ كَاهِلِ
 الْأَسَدِيِّ وَذَوِيهِ؛ (ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۴۸۸)

سلام بر عبدالله پسر حسین علیه السلام، کودک شیرخوار، تیرخورده، به زمین افتاده، به خون غلطیده، که خورش به سمت آسمان بالا رفت و در دامان پدرش، با تیر ذبح شد؛ خدا لعنت کند، حرمله بن کاهل اسدی و همراهانش را که به او تیر زدند!

همچنین در «زیارت ناحیه دوم» آمده است:

السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيِّ، السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ؛ (ابن مشهدی، ۱۳۷۸: ۴۹۸)
 سلام بر علی بزرگ! سلام بر شیرخواره کوچک!

با توجه به مطالب فوق، می‌توان احتمال داد (همان‌طور که ابن طلحه گفته - این دو فرزند امام علیه السلام، هر دو در روز عاشورا شهید شده‌اند؛ با این تفاوت که یکی شیرخواره و دیگری چند ساله بوده است. پس شاید بتوان گفت گزارش‌هایی که کلمه «رضیع» (شیرخواره) در آنها به کار رفته یا تصریح می‌کنند که «فرزندی از امام علیه السلام که در روز عاشورا به دنیا آمده بود، روی دست پدر، تیر خورد و شهید شد» به شهادت یکی از این فرزندان، اشاره دارند؛ اما گزارش‌هایی که به شهادت فرزند سه ساله امام حسین علیه السلام اشاره کرده‌اند یا تعبیرهای مشابه و نزدیک به آن دارند، مربوط به شهادت فرزند دیگری از ایشان‌اند. با این همه باید گفت تشابه بسیاری از گزارش‌ها درباره نام کودک، نام مادرش و نام قاتلش و همچنین عدم تصریح اکثر منابع به شهادت دو فرزند خردسال امام حسین علیه السلام در صحنه عاشورا، این فرضیه را از حد یک احتمال، فراتر نمی‌برد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰: ۶۵۸-۶۵۹).

شهید قاضی طباطبایی رحمته الله علیه درباره مدفن طفل شهید اباعبدالله علیه السلام می‌نویسد:

این جریان که بر سر زبان‌هاست و برخی منبری‌ها آن را نقل می‌کنند که حضرت

سجاد علیه السلام، علی اصغر علیه السلام را در موقع دفن بر روی سینه حضرت سیدالشهداء علیه السلام گذاشت و آن طور دفن فرمود، سند صحیحی ندارد؛ و علاوه بر آن از نظر حکم فقهی نیز اشکال بر آن وارد است؛ زیرا در آداب دفن میت آمده است که جنازه را در قبر به طرف راست می خوابانند که صورتش به طرف قبله باشد و مانند حال احتضار نمی خوابانند که سینه به طرف آسمان باشد تا جنازه طفل روی آن گذاشته شود. البته ممکن است گفته شود: امام سجاد علیه السلام در مقابل سینه امام حسین علیه السلام در زمین به طرف قبله گذاشت؛ اگرچه چنین چیزی ممکن است، اما مدرک و دلیلی بر این گونه دفن شدن علی اصغر نداریم. شاید مقصود این باشد که شهادت علی اصغر به قدری بر امام حسین علیه السلام سخت بوده است که قلب مقدس حضرت علیه السلام را سوزانده است و گویا علی اصغر به روی سینه پدر دفن شده است. این گونه تفسیر، نوعی مجازگویی است. بنابراین، سخن مشهور همان است که تاریخ نویسان گفته اند: شهدای کربلا از جمله علی اصغر در زیر پای امام حسین علیه السلام مدفون اند. (قاضی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۹۵)

براین استدلال، نقدی جدی وارد است و آن، توجه نکردن به طرق کشف حقیقت در باب عاشورا و عاشوراییان است؛ چرا که منابع و مدارک رویدادهای عاشورا، به اسناد تاریخی منحصر نیست؛ بلکه افزون بر اسناد تاریخی، می توان در عرصه های دیگری به منابع متقن دست یافت. گستره منابع نهضت عاشورا را می توان همچنین شامل روایات و زیارات در منابع حدیثی، اشعار شاعران و مرثیه های آنان، گفته های دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اعتراف آنها، شیوع و اشتها، نقل های سینه به سینه و... دانست.

از جمله منابع معرفت شناسی عاشورا، منابع روایی و حدیثی هستند. بر پایه برخی مستندات تاریخی و روایی، در زمان بنی امیه - که تمام تلاش حکومت در جهت حذف نام و یاد امام علی علیه السلام و شیعیان آن حضرت بود - امام حسین علیه السلام برای زنده نگه داشتن یاد و آرمان اصیل اسلامی پدر بزرگوارش، تمام فرزندان پسر خود را «علی» می نامید:

لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَحْبَبْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹/۶)

اگر صد پسر نیز برای من متولد شود، دوست دارم همه را علی نام گذاری کنم و

حتی حاضر نیستم یکی از آنها را جز علی، به اسم دیگری بنامم.

همچنین ارباب مقاتل روایت نموده‌اند که عبیدالله بن زیاد، در آن مجلس کذایی که ترتیب داده بود، از امام سجاد علیه السلام پرسید: تو کیستی؟ امام فرمود: من علی بن الحسین هستم. ابن زیاد گفت: مگر خدا علی بن الحسین را نکشت؟ امام علیه السلام فرمود: من برادری داشتم که علی نام داشت و مردم او را [در کربلا] کشتند...» (ابن طاووس، ۱۳۹۰: ۱۹۲-۱۹۳).

از این روایات نتیجه می‌گیریم پسران امام حسین علیه السلام که روز عاشورا در کربلا بودند همگی «علی» نام داشتند و اگر پسری از ایشان، نام دیگری چون عبدالله داشت باز او را «علی» صدا می‌کردند. از این رو می‌توان چنین برداشت نمود که «علی بن الحسین الاصغر» در واقع همان «عبدالله بن الحسین» است که در مقاتل و منابع، با عنوان «عبدالله الرضیع» یا «الطفل الرضیع» نیز از او یاد می‌شود.

درباره مدفن علی اصغر، دو قول تاریخی وجود دارد:

قول اول آن است که اباعبدالله الحسین علیه السلام از اسب خویش پیاده شد و گودالی برای آن طفل با غلاف شمشیر، حفر نمود و او را همچنان به خون آغشته، دفن کرد. با استناد به این قول تاریخی، نمی‌توان خبری قطعی از محل دفن علی اصغر به دست آورد. برای این اساس امام حسین علیه السلام تمام بدن‌های شهدا را به غیر از بدن قطعه قطعه شده ابا الفضل العباس، به خیمه‌ها آورد و در کنار یکدیگر نهاد؛ ولی هیچ کدام را دفن نکرد و فقط بدن خون‌آلود علی اصغر را (کنار خیمه یا پشت خیمه) دفن نمود. شاید این اهتمام و توجه خاص حضرت علیه السلام نسبت به علی اصغر، به این دلیل بوده است که جسم کوچک و رنجور او، پس از شهادت پدر، مورد بی‌احترامی سپاه دشمن قرار نگیرد و شاید به آن جهت بوده است که آن حضرت علیه السلام، از بازگرداندن طفل شیرخوار خود به مادرش رباب، شرم داشت و این منافاتی با عصمت ایشان ندارد؛ طبیعتاً وقتی پدری انجام دادن کاری را به عهده می‌گیرد، اما به سبب نبودن امکانات یا یاری نکردن دیگران یا سفاکی و بی‌رحمی دشمنان در انجام دادن آن ناکام می‌ماند، به طور طبیعی حالت شرمندگی از کسانی که



منتظر انجام دادن آن کار یا وعده بوده‌اند، به وی دست می‌دهد؛ به ویژه اگر آن شخص دریای کمالات انسانی و اقیانوس احساسات پاک و لطیف پدرانه باشد که در این صورت، احساس مسئولیت بیشتری، این حالت را در وی تشدید می‌کند (ویجویی، ۱۳۹۵: ۷۵/۲). در همین باره برخی علمای شیعه معتقدند مصیبت شهادت حضرت علی اصغر علیه السلام از بزرگ‌ترین مصائب است که اگر پیغمبر مرسل به مانندش مبتلا می‌شد و او را جزاین، مصیبت دیگر نمی‌رسید، در جلالت شأن و بلندی مقام صبر او کفایت می‌کرد (همو: ۱/۴۶۱).

قول دوم درباره مدفن علی اصغر آن است که امام حسین علیه السلام، جنازه طفل را آورد و کنار بدن دیگر شهدا قرار داد. برخی به استناد این قول و اعتقاد شیعه مبنی بر «دفن اجساد مطهر شهدای کربلا، توسط امام سجاد علیه السلام»، مدفن علی اصغر را پایین پای مبارک پدر بزرگوارش دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد در باب مدفن و علت شهادت علی اصغر، معرفت‌های حسی و استدلالی به تنهایی برای دستیابی به معارف و اثبات حقایق، کافی نیست؛ بلکه باید «شهود عارفانه و مکاشفات» نیز به اینها ضمیمه شود تا زمینه دستیابی به معارف و حقایق فراهم آید و یافته‌ها و شناخته شده‌ها دیده شوند و واقعیت معلوم، به طور حضوری مورد شهود قرار گیرد (بهشتی، ۱۳۹۴: ۳۵). این مکاشفات، گوناگون هستند و به نحوه‌های مختلف انجام می‌پذیرند. از جمله مهم‌ترین آنها تشریف به محضر امامان معصوم علیهم السلام در خواب یا بیداری، در عصر غیبت است. این گونه منبع با احراز حق بودن مکاشفه برای خود شخص، معتبر است و اگر برای شخصیت‌های برجسته‌ای همچون شیخ مفید، سید بحر العلوم، سید بن طاووس، میرداماد، صدر المتألهین، ملا محمد تقی مجلسی، محمد باقر مجلسی، شیخ بهایی، شهید اول و شهید ثانی، علامه حلی، ملا مهدی و ملا احمد نراقی و امثالهم رخ دهد، به سادگی نمی‌توان آنها را انکار نمود. ممکن است بزرگانی خبرهایی درباره عاشورا ذکر کرده باشند، در حالی که آن خبرها نیز سندی ندارند؛ چه بسا مستند این‌گونه اخبار، شهودات و مکاشفات آنها باشند و آنان بدون آن که بخواهند این امر را افشا کنند، تنها خبر را نقل کرده باشند. بزرگانی که به وثاقت، دقت



نظر، فرهیختگی، پارسایی و صدق شهره‌اند، به ندرت گاه اخباری می‌دهند که در منابع موجود نیست؛ چه بسا منشأ نقل آنها همین مکاشفات باشد و در واقع آنها به راه شهود و مکاشفه، استناد جسته و از راه ارتباط با حضرات معصومین علیهم‌السلام به این اخبار ویژه دست یافته‌اند (حسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۳). برای مثال، در خاطرات بازمانده از عارف بالله و عاشق دل سوخته اهل بیت علیهم‌السلام، حاج شیخ جعفر آقا مجتهدی رحمته‌الله چنین نقل است که او به افتخار زیارت و رؤیت حضرت علی اصغر علیه‌السلام نایل گردیده بود؛ در حالی که ایشان را طفلی در آغوش مادر (حضرت رباب)، دیده بود (سفید آبیان، ۱۳۸۴: ۱۶۹ و ۲۳۲).

خبر دادن از محل دفن حضرت علی اصغر، نتیجه یکی دیگر از این مکاشفات منتسب به آیت الله سید مرتضی کشمیری رحمته‌الله است. ماجرا از این قرار است که جمعی از زوّار در کربلا خدمت عالم بزرگوار مرحوم سید مرتضی کشمیری رحمته‌الله رسیدند و از مکان قبر حضرت علی اصغر پرسیدند. ایشان پس از گریه زیاد پاسخ داد: نمی‌دانم؛ صبح بیایید شاید پاسخ قانع‌کننده‌ای برای شما بیابم. شب در عالم رؤیا خدمت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام شرفیاب شد. حضرت علیه‌السلام فرمود: سید مرتضی! چرا جواب زائران را ندادی؟! عرض کرد: ای ابا عبدالله! من چه بگویم؟! قبر آن عزیز را نمی‌دانستم. سیدالشهدا علیه‌السلام فرمود: بدان! و به آنها بگو پیکر عزیزم، روی سینه من است (شیخ الرئیس و مهدی پور، ۱۳۸۳: ۲۶۳).

درباره علت شهادت طفل شیرخوار ابا عبدالله، بسیاری بر این عقیده‌اند که حضرت علی اصغر علیه‌السلام اختیار شهادت نمود و خود را فدای امام حسین علیه‌السلام کرد. مبنای این استدلال آن است که در آموزه‌های شیعی، اطفال نیز دارای روح بزرگ و انتخاب و اختیار وجدانی هستند و از جمله ادله شرعیه بر این ادعا، حج کودکان و استحباب شرعی آن است که یقیناً از باب صرف عمل تعبّدی و شباهت به حُجّاج نیست. مستحب است به اطفال - گرچه طفل یک‌روزه باشد - احرام بپوشانند و ولی او نیت کند و او را طواف دهد، به جای او نماز بخواند، با خود به عرفات و مشعر و منا ببرد، قربانی کند و تمام مناسک حج را انجام دهد؛ زیرا روح طفل و نفس مستعدّه او حقیقتاً حج می‌کند و لبیک می‌گوید و به فوز و درجات شخص مُحَرِّم و حج‌کننده می‌رسد؛ یعنی در نفس او همان آثار حج شخص حاجی، بالاستعداد و بالقوه موجود می‌شود (حسینی تهرانی، ۱۴۲۷: ۹۸).

برخی گفته‌اند که امام حسین علیه السلام بر جنازه علی اصغر نماز خواند و چون «نماز میت بر جنازه طفل شیرخوار، واجب نیست» احتمال داده‌اند که سن کودک اباعبدالله در هنگام شهادت، حدود شش سال یا بیشتر بوده است (سلیمانی بروجردی، ۱۳۸۹: ۸۶). این در حالی است که «صلی علیه» می‌تواند به معنای درود فرستادن حضرت علیه السلام بر فرزندش باشد و نیز می‌تواند به مصداق آیه قرآنی «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»، نشان از یاری جستن از نماز، برای کسب آرامش و تحمل شهادت آن طفل صغیر باشد.

نتیجه‌گیری

در آن چه گذشت، اهم اسناد معتبر، درباره طفل شهید امام حسین علیه السلام در عاشورا، بازخوانی شد و این نتیجه به دست آمد که عبدالله رضیع، ملقب به علی اصغر، تنها طفل شیرخوار شهید امام حسین علیه السلام در عاشورا است. در بیان علل اختلاف منابع و مقاتل درباره تبارشناسی و اخبار شهادت علی اصغر، چنین به نظر می‌رسد که برخی تفاوت‌ها، ناشی از اختلاف در قرائت راویان از متون منبع است و احتمال این که بعدها در حاشیه نسخه‌های خطی، جملاتی نوشته و سپس داخل متن شده باشد بعید نیست و چنان‌که تاریخ نشان می‌دهد، بارها چنین کارهایی شده است. همچنین توجه نکردن به طرق کشف حقیقت در باب عاشورا و عاشوراییان، از دیگر علل اختلاف در اخبار حضرت علی اصغر علیه السلام به شمار می‌رود. برای شناخت اخبار صحیح این طفل شهید عاشورایی، علاوه بر اسناد تاریخی، باید به روایات و زیارات در منابع حدیثی، اشعار شاعران و مرثیه‌های آنان، گفته‌های دشمنان اهل بیت علیهم السلام و اعتراف آنها، شیوع و اشتها، شهود عارفانه و مکاشفات، نقل‌های سینه به سینه و... نیز توجه کرد.

منابع

- ابن اعثم كوفى، احمد بن اعثم (۱۴۱۱ق)، الفتح، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالاضواء، چاپ اول.
- ابن جوزى، يوسف بن قراوغلى (۱۴۲۶)، تذكيرة الخواص من الأمة فى ذكر خصائص الأئمة، قم، المجمع العالمى لاهل بيت عليه السلام.
- ابن خشاب بغدادى، عبدالله بن نصر (۱۴۰۶ق)، تاريخ المواليد الأئمة ووفياتهم، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى.
- ابن شهر آشوب، محمد بن على (۱۴۱۲ق)، مناقب آل ابى طالب، بيروت، دارالاضواء.
- ابن طاووس، على بن موسى (۱۳۹۰ق)، اللّهوف على قتل الطّفوف، ترجمه: مهدي رمضانى، مشهد، جوان ياوران.
- ابن طاووس، على بن موسى (۱۳۷۶ش)، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة فى السنة، تصحيح: جواد قيومى اصفهانى، قم، مركز النشر التابع لمركز الاعلام الاسلامى.
- ابن طقطقى، محمد بن على (۱۴۱۸ق)، الاصيلى فى انساب الطالبين، محقق: مهدي رجايى، قم، كتابخانه عمومى آيت الله مرعشى نجفى.
- ابن مشهدى، محمد بن جعفر (۱۳۷۸ش)، المزار الكبير، تحقيق: جواد قيومى اصفهانى، قم، مؤسسه النشر الاسلامى.
- ابن نما، جعفر بن محمد (۱۳۸۰ش)، درسوگ امير آزادى (ترجمه مشير الاحزان)، ترجمه: على كرمى، قم، نشر حاذق.
- ابومخنف، لوط بن يحيى؛ طبرى، محمد بن جرير؛ غفارى، حسن (۱۳۶۴ش)، مقتل الحسين عليه السلام، قم، حسن غفارى.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمى، قم، انوار الهدى.
- اصفهانى، ابوالفرج على بن الحسين (۲۰۰۷م)، مقاتل الطالبين، بيروت، دارالكتب العلميه.
- اربلى، على بن عيسى (۱۴۲۱ق)، كشف الغمّة فى معرفة الأئمة، قم، الشريف الرضى.

- بهشتی، محمد (۱۳۹۴ش)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن؛ جلد پنجم: فیض کاشانی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسین زاده، محمد (۱۳۹۵ش)، «تحلیلی بر مبانی معرفت شناختی مطالعه نهضت عاشورا»، معرفت کلامی، ش ۲.
- حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۲۷ق)، روح مجرد، مشهد، انتشارات علامه طباطبایی، چاپ نهم.
- رنجبر، محسن (۱۳۸۶ش)، «سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر (۲)»، تاریخ اسلام درآینه پژوهش، ش ۱۵، ص ۵۳-۹۰.
- سفید آبیان، حمید (۱۳۸۴)، لاله ای از ملکوت، قم، مؤلف.
- سلیمانی بروجردی، علی (۱۳۸۹ش)، تحقیقی جامع پیرامون سه طفل شهید سیدالشهداء علیه السلام در کربلا (علی اصغر، عبدالله رضیع، علی رضیع)، قم، دارالتفسیر.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۷ش)، عاشورانگاران: پژوهش و تحقیق در منابع، مقاتل و مآخذ عاشورایی، تهران، خورشید یاران.
- شیخ رئیس، عباس؛ علی اکبر مهدی پور (۱۳۸۳ش)، شاهکار آفرینش: مقتل شیخ رئیس، قم، عصر ظهور.
- صحتی سردرودی، محمد (۱۳۸۵ش)، عاشورا پژوهی با رویکردی به تحریف شناسی تاریخ امام حسین علیه السلام، قم، انتشارات خادم الرضا علیه السلام.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۷ش)، الخصال، ترجمه: محمد باقر کمره ای، تهران، کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۱ش)، مقتل الحسین، تهران، نشر هستی نما.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۷ش)، من لا یحضره الفقیه، ترجمه و شرح: علی غفاری، تهران، صدوق.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح: موسوی خراسان، مشهد، نشر المرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶ش)، إعلام التوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت

لاحیاء التراث.

- طبری آملی، محمد بن جریر (۱۳۸۳ ش)، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۳ ق)، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۹ ش)، سه مقتل گویا در حماسه عاشورا، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
- قاضی طباطبایی، سید محمد علی (۱۳۸۳ ش)، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام، تهران، وزارت ارشاد.
- کاتب واقدی، محمد بن سعد (۱۴۱۰ ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- کاشانی، حبیب الله بن علی مدد (۱۳۸۴ ش)، تذکره الشهداء، تهران، شمس الضحی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰ ش)، گزیده شهادت نامه امام حسین علیه السلام، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۳۰ ق)، دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (ج ۱)، قم، دارالحدیث.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۸۰ ش)، الإیضاد فی معرفه حُجَجِ الله علی العباد، ترجمه و شرح: ساعدی خراسانی، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه.
- نصیبی، محمد بن طلحه (بی تا)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، بیروت، مؤسسه البلاغ.
- و بجویی، عباس (۱۳۹۵ ش)، حکمت های عاشورایی با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی، تهران، سبحان.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۱ ش)، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم.